

بازسازی مدل ارتباطی «منبع معنی»

مهدی محسنیان راد*

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۵

چکیده

مدل‌ها در رشته‌های گوناگون علوم توانسته‌اند نقشی میانجی میان تئوری و عمل را ایفا کرده و آموزش را آسان‌تر کنند. این نقش در دانش ارتباط آن‌چنان است که می‌توان در کتاب مستقلی صرفاً به مرور و مقایسه انواع مدل‌های ارتباط پرداخت. مقاله حاضر معتقد است که اگر در ترسیم مدل ارتباط، نظمی منطقی و مبتنی بر رعایت درجات بزرگنمایی یک میکروسکوپ فرضی دنبال شود، احتمالاً بتوان بیشتر عناصر ارتباط و تعامل میان آن‌ها را تا حدودی نمایش داد. مقاله با پایبندی به چنین پیشنهادی، به جستجوی ربط میان نظریه دیرینه گروهی از اندیشمندان ارتباط در «وجود معنی در ذهن، نه در پیام» و دستاوردهای جدید پژوهشگران سیستم عصبی مغز پرداخته و این دیدگاه را مطرح می‌کند که معنی را باید در محل تازه کشف شده‌ای به نام «حافظه طولانی ماندنی» در هیپوکامپ

مغز دنبال کرد و به این قضیه متکی بود که عملکرد آن وابسته به مولکول‌های بزرگ پروتئینی است. سپس مقاله در کنار بیان مسئله «مشابهت معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر بامعنی موردنظر ارتباط‌گر» که در ویرایش‌های پیشین مدل «منبع معنی» به صورت $(\frac{M'}{M})$ مطرح می‌شده، مسئله اصلی دیگری را عنوان می‌کند که بیانگر «مشابهت مفهوم صیدشده ارتباط‌گیر با محتوای ارسالی ارتباط‌گر» $(\frac{C'}{C})$ است. آنگاه با توضیح درباره دو شرط فرعی «میزان نمایندگی محتوای تولیدی ارتباط‌گر از معنی موردنظر او» و «حد منبعت بودن معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر (M') از مفهومی (C') که صید کرده» موضوع چهار مسئله‌ای بودن فراگرد ارتباط را مطرح می‌کند. آنگاه در آخرین مرحله بازنگری مدل پیشین، در مروری بر اندیشه حکمای قرون گذشته ایران درباره ارتباط، عنصر جدیدی را می‌یابد که به آن «زمینه سوم» می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: عناصر ارتباط، مسائل ارتباط، نشانه‌ها، معنی، مدل‌های

ارتباط، مدل منبع معنی

مقدمه

«مدل، توصیفی ساده‌سازی شده در قالبی گرافیکی از جنبه‌هایی از واقعیت است.» (Donsback, ۲۰۰۸: ۳۱۴۳) «یکی از روش‌های درک چیستی ارتباط، توجه به مدل‌هایی است که ترسیم‌کنندگان آن‌ها کوشش کرده‌اند که نشان دهند به هنگام برقراری ارتباط میان دو نفر و بیشتر چه چیز اتفاق می‌افتد» (Adler, ۲۰۰۹: ۹) مدل‌ها سوای آنکه توانسته‌اند نقش میانجی^۱ میان تئوری‌ها و پدیده‌ها را ایفا کنند، در تدریس علوم در دانشگاه‌ها نیز کارایی بالایی داشته‌اند (Chadarevian, ۲۰۰۴: ۲-۳)

طی چند دهه گذشته کوشش‌های بسیاری برای ترسیم مدل‌های ارتباط انجام شده که بخش عمده‌ای از آن‌ها را دنیس مک کوئیل و سون ویندال در دو چاپ کتاب‌های

۱. mediator

بازسازی مدل ارتباطی ... ۳

خود آورده‌اند (McQuail & Windahl, ۱۹۸۲ & ۱۹۹۳) هنوز نیز در کتاب‌های معتبر مربوط به تئوری ارتباط، قسمتی به بررسی و مقایسه مدل‌ها اختصاص می‌یابد (McQuai, ۲۰۱۰: ۵۱-۷۹).

تجربه نشان می‌دهد که اگر افراد ناآشنا با زبان انگلیسی و بی‌اطلاع از دانش ارتباطات، آن دو کتاب را ورق بزنند تصور می‌کنند این‌ها نقشه‌ها و مدل‌هایی برای پدیده‌هایی متفاوت و متنوع هستند^۱. درحالی‌که همه ترسیم‌کنندگان این مدل‌ها به یک پدیده مشابه نگاه می‌کرده‌اند. علت این پارادوکس آن است که برخی از طراحان، پدیده را از ارتفاع دیده‌اند مانند مدل مارپیچ سکوت که نوئل نیومن از ارتفاع به آن نگاه می‌کرده و نشان داده که چگونه ممکن است در یک جامعه، «سکوت درباره موضوعی خاص» به صورت یک اپیدمی گسترش یابد (Neumann, ۱۹۷۴: ۴۳-۵۱۵۱) برخی از طراحان مدل‌ها گویی ارتباط را در مقابل خود گذاشته و پدیده را در ارتفاع پایین مشاهده نموده‌اند. این‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای با چشم غیرمسلح عناصر ارتباط را دیده‌اند، مانند کلود شنن و وارن ویوور که گفته‌اند هر ارتباط، از چهارعنصر به ترتیب زیر تشکیل شده است؛ منبع^۲، فرستنده^۳، علامت^۴ و مقصد^۵. ضمن آنکه در مدل از عنصر پنجمی به نام پارازیت نیز صحبت شده که بر کانال اثر منفی می‌گذارد (Schannon & Weaver, ۱۹۴۹) برخی گویی پدیده را با ذره‌بین واریسی کرده‌اند،

۱- پائیز سال ۲۰۱۴ در سفر با قطار، چاپ جدید کتاب *Communication Models* که تازه از کتابخانه دانشگاه امانت‌گرفته بودم را می‌خواندم که پهلودستی من به خلاف رسم معمول در آمریکا که کنجکاوی نمی‌کنند - شاید برای باز کردن سر صحبت که اتفاقاً موفق هم شد - پرسید مهندس چه رشته‌ای هستی؟ وقتی با تعجب گفتم مهندس نیستم، معلوم شد تصور کرده مدل‌های گوناگون ارتباط نقشه‌های گوناگون مهندسی است.

۲. source

۳. transmitter

۴. signal

۵. destination

مانند دیوید برلو که نشان داده چگونه دو منبع در نقش فرستنده و گیرنده، هرکدام بامهارت ارتباطی، نگرش، معرفت و فرهنگی که دارند در یک سیستم اجتماعی پیامی را می‌فرستند که خود از کد، محتوا و نحوه ارائه تشکیل شده است و به وسیله حس‌های پنج‌گانه دریافت می‌شود (Berlo, ۱۹۶۰: ۳۰-۳۱) عده‌ای گویی از یک میکروسکوپ فرضی، اما با درجات درشت‌نمایی پایین استفاده کرده‌اند، مانند جرج گرینر که در مدل خود به ریشه‌های شکل‌گیری پیام توجه خاصی نموده و نشان داده که چگونه از رویداد، ادراکی شکل می‌گیرد که با عوامل درون فردی در هم می‌آمیزد و پیام را شکل می‌دهد. (Gerbne, ۱۹۵۶: ۹۹-۱۷۱) افرادی مانند ساموئل آل بیکر درجه درشت‌نمایی میکروسکوپ فرضی را بسیار افزایش داده و در مدل خود نشان داده‌اند که چگونه اطلاعات در مکعب‌های کوچک^۱ در فرد ذخیره شده و مجموعه‌ای از چند واحد اطلاعات، لایه‌ای از اطلاعات را تشکیل می‌دهد که در شکل‌گیری عقاید و نگرش فرد ایفای نقش می‌کند. بیکر حتی از شکل‌گیری مکعب‌هایی سخن می‌گوید که منشأ آن درونی است و زیر میکروسکوپ فرضی قابل مشاهده نیست. (Becker, ۱۹۶۸)

مسئله تحقیق

طی دو دهه گذشته ۱- تحولات مهمی در حوزه فن‌آوری‌های ارتباطات روی داده که اثرات مربوط به کنش‌های ارتباطی آن به تدریج خود را نشان می‌دهد، مانند افزایش میزان استفاده از طیف وسیعی از نشانه‌های تصویری جدید در کنار واژه‌ها به هنگام استفاده از ایمیل یا پیامک که می‌تواند توجه به نقش نشانه‌ها در پیام و بازنگری در دسته‌بندی آن‌ها و در نتیجه مباحث نظری مربوط به پیام را به دنبال داشته باشد. ۲- به

۱. cube

خلاف منابع دو دهه پیش دانش ارتباط که برای ماهیت ارتباط، نقشی یگانه قائل و آن را "فرا گرد" می‌دانستند، اکنون این نظریه مطرح شده که ارتباط نیز به مثابه آب که می‌تواند به سه شکل مایع، بخار و یخ بروز کند، قابل وقوع به سه نوع جریان، فرا گرد و تراکنش است. ۳- پژوهش‌های عصب‌شناسی به دستاوردهای مهم و جدیدی درباره مقولاتی همچون حافظه، معنی، مولکول‌های پروتئین بزرگ دست یافته‌اند که می‌تواند به روشن شدن آنچه در جریان، فرا گرد و تراکنش ارتباط می‌گذرد کمک کند. با توجه به تحولات یاد شده مسئله مقاله حاضر انطباق مدل ارتباطی «منبع معنی» با تحولات و دستاوردهای یاد شده و نتایج برخی پژوهش‌های میدانی مؤلف است.

شناخت عناصر ارتباط و تعامل میان آن‌ها

به نظر می‌رسد که برای بررسی عناصر فرا گرد ارتباط و تعامل میان آن‌ها بانظمی خاص،^۱ لازم است ابتدا از بالاترین درجه درشت‌نمایی یک میکروسکوپ فرضی آغاز و به تدریج و به گونه‌ای نظام‌مند به مرحله چشم غیر مسلح رسیده و در انتها پدیده را از ارتفاع دنبال نمود. شواهد حاکی از آن است که مهم‌ترین و ضمناً ریزترین و پنهان‌ترین عنصر ارتباط که بالاترین درجه بزرگنمایی آن میکروسکوپ فرضی را می‌طلبد، «معنی» است.

معنی

موضوع استقلال معنی و جدایی آن از پیام را نخستین بار سنایی حکیم و شاعر ایرانی در قرن یازدهم میلادی بیان کرد. او نوشت «معنی و سخن هرگز با یکدیگر همراه نمی‌شوند، گویی همچون آب و روغن، هر یک از دیگری فراری است»^۲ (سنایی،

۱- نسخه اول این مدل بانام «منبع معنی» در سال ۱۳۶۹ در کتاب ارتباط شناسی (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۳۱۳-۳۶۹) و در ۱۹۹۳ در مجله اروپایی ارتباطات (Mohsenian Rad, ۱۹۹۳) منتشر شد.

۲- معانی و سخن، یک با دگر، هرگز نیامیزد / چنان چون آب و چون روغن، یک از دیگر گران دارد «

(۱۳۸۱) یک قرن پس از او، مولوی که در گرامیداشت سنایی، خود را معادل نیم او می‌داند، همان سخن را به‌گونه‌ای دیگر تکرار کرد و نوشت «وجود معنی در پیام غیرممکن است»^۱ و درجایی دیگر از کتاب خود افزود «درحالی‌که معنی‌ها همچون یک دریا و زبان مانند یک ناودان است، چگونه ممکن است دریا در ناودان جای گیرد» (مولوی، ۱۳۸۲) چند قرن بعد از این دو دانشمند ایرانی، دیوید برلو همان سخن را این بار به‌وضوح تکرار نمود و نوشت «معنی در پیام نیست، بلکه در ماست»^۲ (Berlo, ۱۹۶۰: ۱۷۳-۴) پس از او دیگرانی نیز سخن مشابهی را بیان کردند مانند برگون که گفت «معنی در کلمه نیست، بلکه در مردمی است که آن کلمه را به کار می‌برند. به همین جهت ارتباطات به‌اندازه افرادی که از آن استفاده می‌کنند، پدیده‌ای شخصی^۳ است. (Burgoon, ۱۹۹۴: ۱۴) آدلر نیز همین مفهوم را این‌گونه بیان کرده است: «معانی در انسان‌ها آرمیده‌اند، نه در کلمات» (Adler, ۲۵: ۲۰۰۹) کری فلویید سرچشمه معنی را انسان‌ها می‌داند و در توضیح می‌نویسد: «وقتی ما صحبت می‌کنیم یا می‌نویسیم، برای رساندن معنی مورد نظرمان، کلماتی را انتخاب می‌کنیم. این معنی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ یک کلمه به‌تنهایی فاقد معنی می‌باشد و فقط یک سری از صداها در هوا و یا چند علامت روی یک‌تکه کاغذ یا صفحه مانیتور رایانه است. یک کلمه، فقط نماد و یا معرف برای یک ایده است. ولی کلمه، خودش ایده یا معنی نیست. معنی کلمات از فرد یا گروهی که از آن استفاده می‌کنند، سرچشمه می‌گیرد (Floyd, ۲۰۰۹: ۱۷). و کریستین فروملینگ نیز پس از ۵۰ سال از انتشار سخن دیوید برلو درباره عدم وجود معنی در پیام، آن را تکرار کرده و می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های کلیدی معنی آن است که در کلمه

۱- و آنکه [آن‌کس] این معنی در آن صورت [پیام، نماد] بدید / صورت از معنی، قریب است و بعید.

۲- معانی را زبان چون ناودان است / کجا دریا رود در ناودانی

۷ بازسازی مدل ارتباطی ...

نیست، بلکه در مردم است؛ این مردم هستند که معنی را به کلمات و نمادها نسبت می‌دهند (Froemling, ۲۰۱۱: ۷۳).

نتایج تحقیقات متخصصان مغز و اعصاب می‌تواند تا حدودی کنجکاوی ارتباط شناسان در این که «معنی کجاست» را برآورده کند.^۱ نگاهی به یافته‌های آنان حاکی از آن است که در حافظه بلندمدت^۲، معنی سازی با اتخاذ پیوندهای جدید سیناپسی و ترکیب و سنتز پروتئین‌های تازه، همبستگی دارد (Kandel, ۲۰۰۲) گفته شده که کارکردهای طبیعی حافظه به شدت به هیپوکامپوس وابسته است. آن چنان که میزان آسیب دیدگی بافت یاد شده تعیین کننده شدت آسیب رسانی به حافظه برای معرفت‌های جدید است (Scoville & Milner, ۲۰۰۰). سپس کشف شد که علاوه بر حافظه درازمدت، حافظه دیگری به نام «حافظه طولانی ماندنی»^۳ نیز وجود دارد که عملکرد آن وابسته به مولکول‌های بزرگ پروتئینی و ترکیباتی دیگر است (Swcatt, ۲۰۱۰: ۵۷-۵۸). آخرین تحقیقات می‌گوید ایجاد تغییر در محتوای ضبط شده ژن‌ها نیز در «حافظه طولانی ماندنی» در هیپوکامپ ضبط می‌شود (Swcatt, ۲۰۱۰: ۶۵). علاوه بر این، شواهدی به دست آمده که احتمالاً نئوکورتکس^۴ مغز نیز در ذخیره سازی «دانش‌های تحکیم یافته» -

۱- با تشکر از خانم دکتر ماندانا زندیان پزشک و پژوهشگر دستگاه اعصاب مرکزی نوزادان در بیمارستان سیدارس - سینا (Cedars-Sinai) در کالیفرنیا و همچنین همکار افتخاری مجله آمریکایی و فارسی زبان «بررسی کتاب». ایشان در خلال مصاحبه‌ای که درباره کتاب‌های ارتباط شناسی (سروش) و ارتباطات انسانی (سمت) با من انجام داد (منتشر شده در ضمیمه ۳۰ صفحه‌ای شماره ۸۰ فوریه ۲۰۱۵) پذیرفت که برای کمک به مصاحبه شونده، حدس احتمالی در باره «معنی» و رابطه آن با دستاوردهای جدید بیولوژیست‌ها و متخصصان مغز و اعصاب را که می‌تواند عملاً مقوله‌ای میان‌رشته‌ای محسوب شود با پروفیسور کیت بلک (Kith Black) استاد برجسته مغز و اعصاب مطرح و نظر او را جویا شود. کیت بلک که رئیس دپارتمان جراحی اعصاب و همچنین مدیر انستیتو جراحی اعصاب ماگراین دانیتس (Maxine Dunitz) در لوس آنجلس کالیفرنیاست، پس از خواندن چکیده حدس مورد بحث و توضیحات دکتر زندیان، آن را حدسی نزدیک به واقعیت دانست.

۲. Long Term Memory

۳. Long Lasting Memory

۴. Neo cortex

که ما معنی می‌گوییم - نقش دارد (Mildner, ۲۰۱۰: ۱۵۵-۱۵۹). سال ۲۰۱۳ کشف شد که پروتئینی خاص به نام آرک^۱ کارکرد مهمی در تنظیم فعالیت نرون‌ها و توانمند کردن مغز در حفظ خاطرات طولانی مدت دارد. پروتئین آرک، همزمان با پیش رفتن روند یادگیری، و با تحریک سلول‌های عصبی در محل ارتباط این سلول‌ها (سیناپس) تشکیل می‌شود. یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که تحریک‌های مکرر به هنگام یادگیری، به تدریج با انتقال این پروتئین به هسته سلول‌های عصبی به شکل گرفتن حافظه طولانی مدت می‌انجامد. استیون فینک بینر کشف کرد که در موش‌های فاقد پروتئین آرک^۲ فرایند یادگیری‌های جدید به خوبی انجام می‌شود، اما روز بعد قادر به یادآوری و تکرار آن نیستند (Finkbeiner, ۲۰۱۳).

منشأ معنی هر فردی، ارتباط و شناخت‌های^۳ گذشته اوست. ترن هولم می‌گوید هریک از ما واقعیت‌های خودمان را به دلیل تفاوت تجربیات گوناگونی که بیشتر آنها از طریق ارتباط اندوخته شده‌اند، دنیا را آن‌گونه می‌بینیم که تجربیات ما آنها را شکل داده ضمن آنکه هرگز نمی‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که دیگران دنیا را مثل ما می‌بینند و می‌افزاید فرض کنید سال‌ها پیش تصمیم می‌گرفتیم هرچند گاه یک‌بار، نقطه‌نظرهای خود را از «چیزها» ثبت و آن را در طول عمرمان و در مقاطع زمانی گوناگون ثبت می‌کردیم. اکنون اگر چنین ثبت‌شده‌هایی در اختیارمان بود و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کردیم و به فرض این امکان را داشتیم که به همین طریق آنها را با دیدگاه دیگران مقایسه می‌کردیم، احتمالاً از میزان تفاوت‌ها شگفت‌زده می‌شدیم. (Trenholm, ۲۰۰۰: ۱۰) در مدل، هر معنی به صورت یک گوی کوچک تجسم شده است. (تصویر ۱)

۱. Arc

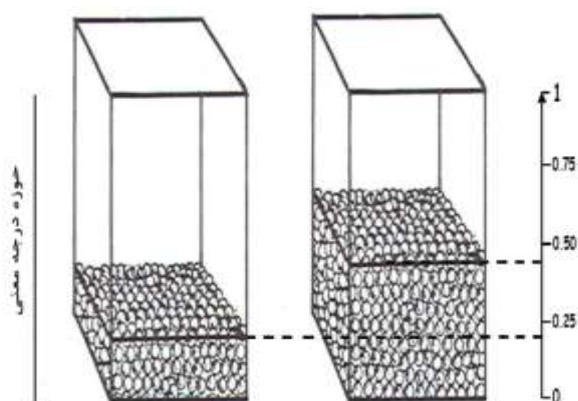
۲. Activity-Regulated Cytoskeleton-associated protein

۳. Cognition



تصویر ۱- تجسمی از معنی

جایگاهی که معنی در آن قرار دارد یا «منبع معنی» دارای حجمی نامحدود است. ظرفیت معنی‌های موجود در افراد تابع سن، سطوح تحصیلات، تخصص و تجربه و احتمالاً محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی گوناگون آنان است. که در مدل با الهام از مدل بیکر (Becker, ۱۹۶۸) منبع معنی به صورت مکعبی ترسیم شده که گوی‌های معنی در آن جای گرفته و حجم آن به صورت درجاتی میان صفر و یک فرضی مشخص شده است. (تصویر ۲)



تصویر ۲- دو منبع معنی با دو درجه معنی

معنی‌های نشسته در «منیع معنی» نه تنها مجزا و منفک از یکدیگر نیستند، بلکه میان بسیاری از آن‌ها روابطی برقرار است با درجاتی از شدت و ضعف. «تداعی»^۱ نمایشی است از این ربط‌ها. آن چنانکه در تعریف آن گفته‌اند که محصول پیوند ایده‌ها، بر اساس اصول مشابهت، مجاورت و تضاد در ذهن است. (سولسو، ۱۳۷۱: ۶۵۲) یا تعریف هری لوراین که گفته است: «تداعی، متصل کردن یا به هم پیوستن دو چیز [معنی] در ذهن است» (لوراین، ۱۳۷۵: ۳۱) اگر آن میکروسکوپ فرضی را به خدمت بگیریم، چنین پیوندهایی را می‌توان به صورت تصویر شماره ۳ مجسم کرد.



تصویر ۳- تجسمی از همبستگی میان برخی معنی‌ها با درجه‌ای از شدت

قطعاً بسیاری از همبستگی میان معنی‌ها (خطوط سفید مدل‌بالا) و شدت و ضعف آن‌ها (تعداد خطوط موازی میان معنی‌ها) در افراد گوناگون مشابه نیست، مثلاً یکی از عوامل ایجادکننده این همبستگی «علاقه» است. آن چنان‌که گفته شده میان اتصال‌های یادآورنده ذهنی و علاقه، همبستگی وجود دارد (لوراین، ۱۳۷۵: ۳۲) و می‌دانیم که مجموعه علائق هر فرد می‌تواند چقدر متفاوت با دیگری باشد. در واقع پیچیدگی گیج‌کننده ارتباط از آنجا سرچشمه می‌گیرد که ۱- سرشماری تعداد معنی‌های موجود در

۱. associaation

دو منبع معنی (درجه معنی) متفاوت باشد. (معنی بخصوصی در مغز یکی باشد و در دیگری نباشد) مانند یک فرد به شدت مذهبی در مقابل یک فرد به شدت سکولار ۲- فقره‌های به ظاهر مشابه «معنی»، اما در اصل متفاوت (معنی همسر در یک جامعه سنتی مردسالار با یک جامعه مدرن تساوی طلب) ۳- تفاوت در ساختار پیوند میان معنی‌ها. این پیچیدگی‌ها همان است که جی استوارت گفته که در ارتباط مشکل از زمانی آغاز می‌شود که مردم به طور اشتباه می‌انگارند که دیگران لغات را در همان معنایی که آن‌ها به کار می‌گیرند، استفاده می‌کنند. کلمات معنایی ندارند، مردم هستند که به آن‌ها معنا می‌دهند و اغلب این کار را به گونه‌هایی بسیار متفاوت انجام می‌دهند» (Adler, ۲۰۰۹: ۷۰).

در تصویر شماره ۴، سه گوی، هر یک نماینده یک معنی خاص کنار هم قرار گرفته‌اند که اگرچه در نگاه اول شبیه به نظر می‌رسند، اما سایه‌روشن‌های متفاوت آن‌ها نماینده تفاوت‌های پنهان یا آشکاری است که سه نفر دارنده این سه معنی همانم، ممکن است داشته باشند.



تصویر ۴- معنی دموکراسی در سه مغز متعلق به سه فرد متفاوت

رابطه معنی و نشانه‌ها

شواهد حاکی از آن است که ذخیره‌سازی معنی، مقدم بر یادگیری زبان است (Beck, ۱۴۸-۱۴۶: ۲۰۰۲). واژه‌ها در زبان به‌عنوان گونه‌ای از نشانه‌ها، معنی‌ها را نمایندگی می‌کنند.

انواع نشانه‌ها

حدود یک قرن است که برای دسته‌بندی نشانه‌ها، پیشنهادهایی مطرح می‌شود، مانند دودسته ایکونیک‌ها^۱ و غیرایکونیک‌ها^۲ (Saussure, ۱۹۱۶). یا سه دسته نشانه طبیعی^۳، نشانه تصویری^۴ و نشانه قراردادی^۵ (Donis, ۱۹۸۱: ۷۲) و یا سه دسته شمایل‌ها^۶، نمایه‌ها^۷ و نمادها^۸ (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۵).

از آنجا که طی سال‌های اخیر و در اثر رواج اینترنت، انواع نشانه‌های ثابت و متحرک به مراتب بیش از گذشته و به نحو فزاینده‌ای وارد ارتباطات روزمره شده و احتمال ابداع فن‌آوری‌های جدید در جابجایی نشانه‌های مرتبط با حس‌هایی بیش از شنوایی و بینایی می‌رود در مدل منبع معنی دسته‌بندی سه‌گانه‌ای به شرح زیر پیشنهاد شده است: ۱- نشانه‌های قراردادی گفتنی-نوشتنی، ۲- نشانه‌های قراردادی نشان‌دانی و ۳- نشانه‌های غیر قراردادی نشان‌دانی^۹

«نشانه‌های قراردادی گفتنی / نوشتنی» تمامی نشانه‌هایی است که میان نشانه و محتوا یا میان بازنمایی و آنچه بازنمایی می‌شود، تشابهی وجود نداشته و نشانه خوانی آن‌ها مستلزم شنیدن یا خواندن باشد. بنابراین سوای تمام واژه‌های همه زبان‌های دنیا،

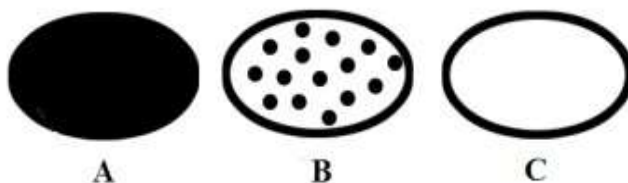
-
۱. iconic
 ۲. Non iconic
 ۳. Natural signal
 ۴. Pictorial signal
 ۵. Conventional signal
 ۶. icon
 ۷. index
 ۸. symbol

۹- با تشکر از دکتر احمد کریمی حکاک استاد زبان و ادبیات دانشگاه مری لند آمریکا که برای این سه دسته نشانه، به ترتیب معادل‌های انگلیسی زیر را پیشنهاد نمود: conventional oral-written signs، non-conventional indicative signs و conventional indicative signs

خیلی صداهای دیگر، با وجود آنکه کلمه نیستند در این دسته جای می‌گیرند. مانند سوت پلیس راهنمایی و رانندگی، یا صدای «هیشش» با محتوای ساکت. در حوزه نوشتنی‌ها نیز علامت سؤال [؟]، علامت درصد [.%]، علامت دلار [\\$] و علائمی دیگر اگرچه کلمه نیستند، اما قراردادی خواندنی می‌باشند.

مشهورترین «نشانه‌های قراردادی نشان دادنی» تصویر پرستاری است که انگشت اشاره‌اش را رو به بالا، در مقابل بینی‌اش گرفته است که یک قرارداد است. قراردادی تقریباً دیرپا و جهانی.

نشانه‌های غیر قراردادی نشان دادنی» را می‌توان در بسیاری از کنش‌های ارتباط غیرکلامی و یا پیام‌های تولیدی به وسیله نقاشی، عکاسی، فیلم‌برداری، رقص، تئاتر و از این قبیل دید، که عملاً میان نشانه و اصل مقصود یا میان بازنمایی و آنچه بازنمایی می‌شود کم‌وبیش رابطه‌ای غیر قراردادی از جمله مجاورت (شرم و سرخ شدن صورت) و شباهت (Emoticons مورد استفاده در مبادله ایمیل یا اس ام اس). (تصویر ۵)

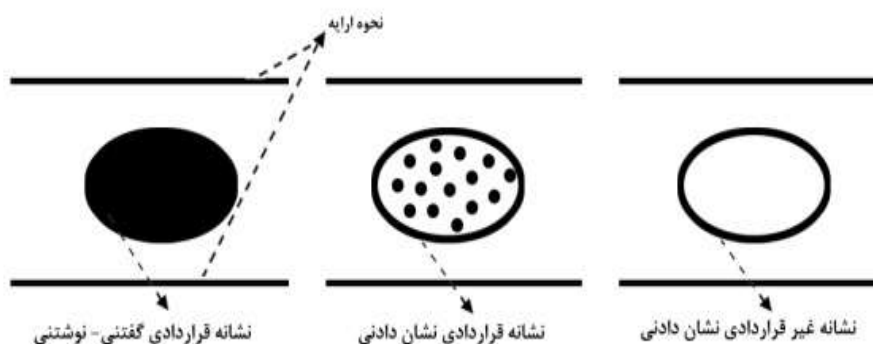


تصویر شماره ۵- A نشانه قراردادی گفتنی-نوشتنی، B نشانه قراردادی نشان دادنی و C نشانه غیر قراردادی نشان دادنی

پیام: نحوه ارائه

ما از کودکی می‌آموزیم که از هر سه دسته نشانه‌های قراردادی گفتنی/نوشتنی، نشانه‌های قراردادی نشان دادنی و نشانه‌های غیر قراردادی نشان دادنی استفاده کنیم. اما این استفاده

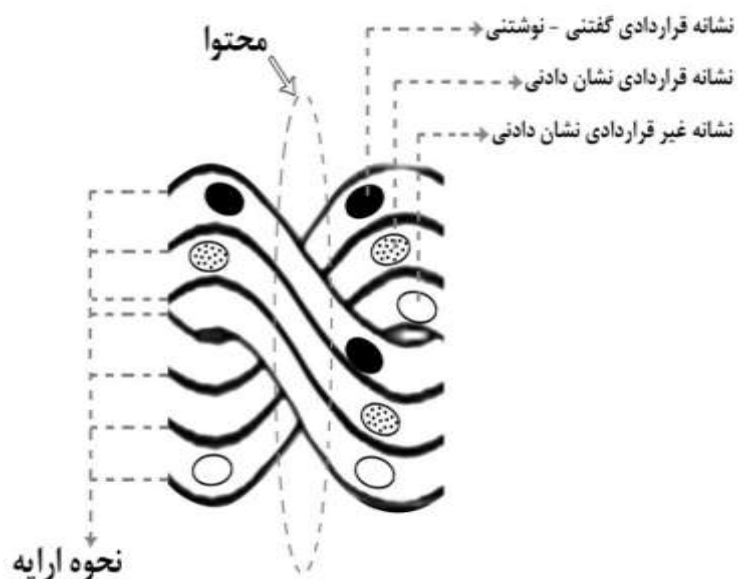
حسب مورد، دربرگیرنده نحوه ارائه‌های گوناگون است. مثلاً کودک به‌زودی یاد می‌گیرد که وقتی می‌خواهد مادرش را صدا کند، گاهی تن صدایش صمیمی، گاهی اعتراض‌آمیز و گاهی با التماس باشد. این آغاز دوره‌ای است که او می‌آموزد که چگونه برای ارتباط از «پیامی» مرکب از نشانه، نحوه ارائه و محتوا استفاده کند. این تقسیم‌بندی سه‌گانه، همان دسته‌بندی مشهور دیوید برلو است. (Berlo, ۱۹۶۰: ۵۴-۵۹). در مدل برای نمایش نحوه ارائه از دو خط موازی استفاده شد که هر یک از نشانه‌ها را در بر گرفته است. (تصویر شماره ۶)



تصویر ۶- تجسم نشانه و نحوه ارائه برای سه نوع نشانه در دسته‌بندی پیشنهادی

محتوا محصول در هم آمیختن نشانه‌ها و نحوه ارائه آن‌هاست. نکته مهم آن است که محتوا مجرد از نشانه و نحوه ارائه نیست. در ارتباط کلامی اگر نشانه قراردادی مانند «مادرم» را به زبان نیاورید، نوبت نحوه ارائه آن‌هم نخواهد رسید وقتی هر دو نباشند، محتوایی نیز وجود نخواهد داشت. بیایید در عالم خیال، «نحوه ارائه» را یک‌رشته نخ تصور کنید. سپس روی آن، بیضی‌های سیاهی را با فواصلی متناسب با مدت‌زمان مکث‌های میان کلمات (نشانه قراردادی گفتنی / نوشتنی) با جوهر ترسیم کنید. سپس

همین عمل را روی نخ دیگری با بیضی‌های نقطه‌چین (نشانه قراردادی نشان دادنی) و روی سومین نخ با بیضی‌های سفید (نشانه غیر قراردادی نشان دادنی) انجام دهید. حالا اگر با این نخ‌ها، یک طناب بافید، می‌توانید پیچ‌وخم طناب را به دیگران نشان دهید و بگویید این پیچ‌وخم‌ها نیز «محتوای پیام» است. وقتی نخ‌ها تبدیل به طناب شدند، همه می‌توانند پیچ‌وخم‌های آن‌ها را بیانگر محتوای پیام است را ببینند و حتی با لمس کردن طناب نیز می‌توانند آن‌ها را حس کنند. اما اگر نخ‌ها را همراه با بیضی‌های روی‌شان یک‌به‌یک از طناب بیرون بکشید، پیچ‌وخم‌ها یا محتوا نیز محو خواهد شد. رابطه نشانه، نحوه ارائه و محتوا نیز مشابه همان طناب درهم‌تنیده، به شکل تصویر ۷ است. در این شکل، محدوده‌ای که با نقطه‌چین بیضی مشخص شده، نماینده «محتوا» است.



تصویر ۷- تجسم محتوا به عنوان محصولی از ترکیب نشانه و نحوه ارائه

گاه می‌توان با تعداد کمی از واژه، اما بجا و مناسب و نحوه ارائه‌ای منطقی و مناسب پیامی پرمحتوا را منتقل کرد تصویر ۸ الف می‌تواند نماینده شعر مشهور بی تو

مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم / همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم باشد و تصویر ۸ ب، بیانگر یک سخنرانی کم محتوا اما پر واژه باشد که سخنران با کنار هم قرار دادن تعدادی از انواع نشانه‌های با ربط و بی‌ربط و نحوه ارائه‌ای منطقی و غیرمنطقی، عملاً پیامی کم محتوا و پر واژه تولید نماید.



تصویر ۸- الف: پیام پر محتوا و کم نشانه، ب: پیام کم محتوا و پر نشانه

تجلی معنی

این‌که چرا یک معنی در ذهن من یا شما، در لحظه‌ای خاص متجلی^۱ می‌شود؟ سؤالی است که شاید اساس تفاوت برخی از مدل‌های ارتباطی از بقیه شده باشد، مانند مدل برن لوند. (Serenio, ۱۹۷۰: ۹۵)

به نظر می‌رسد که بحث علت تجلی معنی مرتبط با تفکیک ذهنیت (Subjective=) و عینیت (Objective=O) باشد (با آگاهی از دشواری‌های بسیاری که چنین تفکیکی وجود دارد) در جامعه‌شناسی معرفتی گروهی معتقد بودند که قضاوت‌ها از تسلط ذهنیت

۱- برای «تجلی معنی» می‌توان معادل انگلیسی «epiphany meaning» را به کار برد. فرهنگ لغت معاصر انگلیسی لانگ من (Longman) اپی فامی را «موقعیتی دانسته که فرد به‌طور ناگهانی چیزی را به یاد می‌آورد». فرهنگ زبان انگلیسی وبستر آن را یک ظهور یا درک ناگهانی ذات یا معنای چیزی دانسته است. در برخی منابع فارسی نیز برای «epiphany» معادل تجلی آمده است. مانند کتاب تاریخ طبیعی دین ترجمه حمید عنایت یا کتاب واژگان تخصصی ارتباطات و مطالعات رسانه‌ها تألیف حسین حسینی و جعفر محمدی و همچنین کتاب فرهنگ واژگان علوم اجتماعی تألیف شیوا شکاری و وجیهه معصوم.

بر عینیت یا $\frac{S}{O}$ سرچشمه می‌گیرد. مانند آگوست کنت^۱، شلر^۲ و هگل^۳ گروهی دیگر معتقد بودند که بالعکس، قضاوت محصول حکومت عینیت بر ذهنیت یا $\frac{O}{S}$ است، مانند کارل مارکس^۴ و مانهایم^۵ و کسانی نیز مانند ماکس وبر^۶ و ژرژ گورویچ^۷ معتقد به تلفیق این دو بودند (آشتیانی، ۱۳۵۵: ۳۶). در ارتباط نیز این تلفیق حاکم است. گاه سهم فعل و انفعالات پیچیده ذهن ما در وقوع این پدیده بیشتر است، مانند زمانی که در تنهایی و اعلام دل‌تنگی با خود درباره کسی که دوستش داریم ممکن است حتی نامش را به صورت نجوا به زبان آوریم. این پدیده در کار نویسندگان بزرگ نیز دیده می‌شود، مثلاً محمود دولت‌آبادی، نویسنده رمان ماندگار کلیدر در یک مصاحبه گفته است؛ ممکن است سی سال آدم‌هایی در ذهنم زندگی کنند، به‌انحاء گوناگون ورز پیدا کنند، تغییر پیدا کنند، روابطشان را با سایرین خودشان کشف کنند. من بارها این‌ها را در ذهنم می‌نویسم، اما همه در ذهنم هستند. در حقیقت وقتی شروع به نوشتن می‌کنم که آن‌ها به ناگزیری تولد رسیده باشند و من را وادار کنند که باهمدیگر این زایمان را به عمل بیاوریم. (گرگین، ۱۳۹۱: ۵۲۶).

گاه عینیت بر ذهنیت توفیق می‌یابد مثلاً ممکن است یک عابر پیاده در مواجهه با تظاهرات خیابانی، صرفاً در اثر دیدن خشونت‌های نابرابر، بدون قصد قبلی با تظاهرکنندگان هم صدا شود. این پدیده را نیز می‌توان درباره آثار نویسندگان بزرگ نیز جستجو کرد. نمونه‌اش در خاطرات بزرگ علوی از صادق هدایت قابل مشاهده است، گفته است: «صادق هدایت گاهی به دهات می‌رفت و با نان و ماست می‌ساخت. از این

۱. A. Conte

۲. M. Scheler

۳. G. Hegeal

۴. K. Marx

۵. K. Mannheim

۶. M. Weber

۷. G. Gurvitch

سفرهای تنها لذت می‌برد. یک‌بار برای دیدن برج ورامین راهی آنجا شد. پس از توصیف چند دکان کوچک نانوائی، قصابی، عطاری و.. بعد از دو پسر بیچه شیرفروش حرف می‌زند و آدمی که قلاده را از گردن سگی ولگرد می‌رباید و لگد محکم به او می‌زند و دیگر آن‌که او را دست‌به‌سر می‌کنند و محض رضای خدا، سگ نجس را می‌سوزانند. دیدن این صحنه‌ها اثری بر او گذارد که سگ ولگرد را نوشت (گرگین، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

هدف از ارتباط

ارسطو هدف از ارتباط را اقناع دیگران گفته است (۶: ۱۹۴۶, Rhys). مشابه این نظر را می‌توان در مباحث ارتباطات اقناعی^۱ در حوزه رسانه‌ها نیز یافت (Mongeau and Stiff, ۲۰۰۲; Perloff, ۲۰۱۳). در مباحث مربوط به ارتباطات میان فردی، بیشتر از ارتباطات اثرگذار^۲ صحبت می‌شود و هدف از ارتباطات را تأثیرگذاری می‌نامند (Adair, ۲۰۱۴; Harvey, ۲۰۰۹) در هر حال می‌دانیم در مقابل این سؤال که چه تأثیری، هزاران پاسخ می‌توان ارائه داد که حتی اقناع نیز یکی از آن‌هاست. بنابراین بدون آن که نیاز به تفکیک ارتباطات رسانه‌ای با غیر رسانه‌ای باشد، هدف را می‌توان تأثیرگذاری دانست.

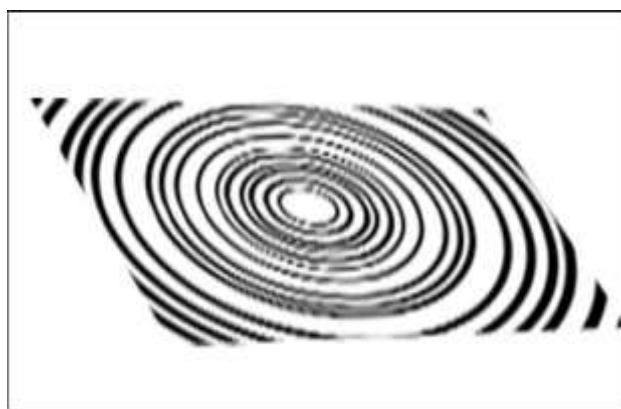
سطح توانایی ارتباطی

پس از آن که معنی تحت تأثیر تفوق آن لحظه ذهن بر عین یا عین بر ذهن و به انگیزه یک هدف خاص، متجلی شد، نخستین مرحله، انتخاب ردیفی از هر یک از نشانه‌ها با نحوه ارائه‌ای خاص به‌منظور ساخت محتواست. در فاصله این لحظه، تا لحظه‌ای که کلماتی از دهان بیرون می‌آید - یا نوشته می‌شود - یا دستی به‌صورت اشاره بالا می‌رود و یا احمی که بر چهره می‌نشیند و به عبارتی پیامی ساخته شود، عاملی نقش دارد که آن را «توانایی ارتباطی» می‌نامیم.

۱. persuasive communication

۲. effective communication

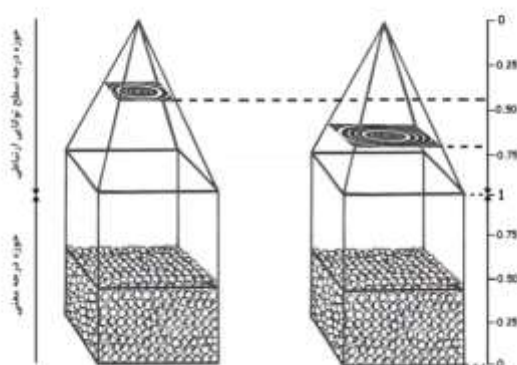
سطح توانایی ارتباط تا حدودی همان است که آن را «مهارت ارتباطی»^۱ یا «قابلیت‌های ارتباطی»^۲ گفته‌اند. (Trenholm, ۲۰۰۰: ۱۰) اما ترجیح این است که از واژه «توانایی»^۳ به جای «مهارت»^۴ استفاده نمود. مهارت «داشتنی» است که از طریق آموزش، تمرین، تکرار و تجربه به دست می‌آید، اما توانایی، داشتنی است که همه یا بخشی از آن ذاتی نیز می‌تواند باشد و نیازی به تمرین و تکرار و تجربه ندارد. اگرچه هر دو کارکردی مشابه دارند، اما منشأ آن دو، یکسان نیست. آدمی که صدای دلنشین و مؤثر و رسایی دارد از توانایی برخوردار است که همچون ارثیه ای به او رسیده است نه یک مهارت اکتسابی. اما بخشی از توانایی‌های ارتباطی اکتسابی است، مانند فردی که توانسته سواى زبان مادری، به زبانی دیگر تسلط یابد. در مدل منبع معنی، سطح توانایی ارتباطی همچون حلقه‌های تنه درخت، به صورت صفحه‌ای فرض شده که در آن حلقه‌های بسیاری قرار دارد که با شمارش آن‌ها، می‌توان به عمر درخت پی برد (تصویر شماره ۹).



تصویر ۹- سطح توانایی ارتباطی

-
۱. Communication Skills
 ۲. Communicative competence
 ۳. ability
 ۴. skill

از آنجا که توانایی ارتباطی افراد یکسان نیست، در تصویر زیر سطح توانایی ارتباطی درون هرم به گونه‌ای جای داده شده که هر چه مساحت آن بیشتر شود، به قاعده هرم نزدیک تر خواهد شد. اگر نوک هرم را معادل صفر و قاعده آن را معادل یک فرض کنیم، هر کس را می‌توان با درجه‌ای از سطح توانایی ارتباطی، ارزیابی کرد. اگر چه می‌توان تصور نمود که به طور عام میان درجه منبع معنی و درجه سطح توانایی ارتباطی همبستگی مثبت وجود داشته باشد، اما این بدان معنی نیست که آنانی که منبع معنی غنی دارند، الزاماً توانایی ارتباطی بالایی هم دارند. رابطه این دو در تصویر ۱۰ آمده است.



تصویر ۱۰- درجه سطح توانایی و درجه منبع معنی

وسیله نشانه‌گذاری وسیله ارسال نشانه

از آنجا که در انسان، وسیله نشانه‌گذاری و ارسال نشانه چندان قابل تفکیک نیستند، بسیاری از مدل‌ها، این دو را باهم ترسیم کرده‌اند. اما تفکیک این دو را به راحتی می‌توان پذیرفت که به یادآوریم «گفتگو با خود» را دیگران نشنوند (Vocate, ۲۰۰۹: ۷) این عمل مشابه

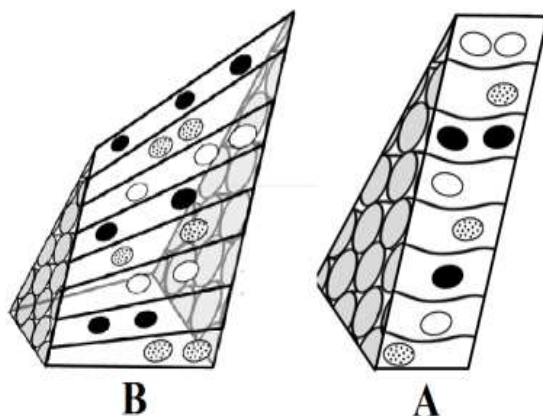
آن است که روزنامه‌ای در چاپخانه، درحالی‌که آخرین مراحل چاپ را می‌گذراند توقیف و توزیع آن متوقف شود. درواقع روزنامه نشانه‌گذاری شده ولی تکثیر و توزیع نشده است.

وقتی می‌خواهیم ارتباط برقرار کنیم، وسیله‌ای لازم است که عمل «نشانه‌گذاری»^۱ را انجام دهد. این همان است که در برخی از مدل‌ها بانام رمزگذار^۲ آمده است. نشانه‌گذار عهده‌دار انتخاب و چینش هر یک از سه نشانه به شکل موردنظر منبع معنی است. وسیله‌ای که عهده‌دار ارسال محصول تولیدی وسیله نشانه‌گذاری باشد، «وسیله ارسال نشانه» نامیده می‌شود که در برخی از سیستم‌های ارتباط راه دور (مانند پست) مجزا از ابزار نشانه‌گذاری و در برخی سیستم‌ها (مانند نشانه‌گذاری به وسیله مرکز سخن‌گویی در مغز و ارسال نشانه به وسیله حنجره، زبان و لب‌ها) به‌ظاهر به‌صورت یکپارچه احساس می‌شود اما وقتی می‌توانیم «گفتگو با خود» را دیگران نشوند، حاکی از آن است که نشانه‌گزار، متفاوت با ارسال‌کننده نشانه است (Vocate, ۲۰۰۹: ۷) از عملکرد وسیله نشانه‌گذاری وسیله ارسال نشانه است که پیام وارد مرحله ارسال می‌شود. (تصویر ۱۲) پیامی که می‌تواند حاوی تعدادی از هر یک از سه نوع نشانه و نحوه ارائه (خطوط میان آن‌ها) باشد که محتوایی را تشکیل دهد که ارتباط‌گر آن را به نمایندگی معنی موردنظر ارسال می‌کند. حال اگر محتوا^۳ یا حاصل نشانه‌گزینی و نشانه‌گذاری ارتباط‌گر را با حرف C و معنی موردنظر ارتباط‌گر را با M نشان دهیم، این‌که C تا چه حد نمایندگی M را دارد ($M \rightarrow^? C$) نخستین مسئله ارتباط است.

۱. Ensigner

۲. Encoder

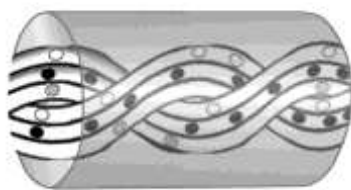
۳. Content



تصویر ۱۱- A: وسیله نشانه گذاری و B: وسیله ارسال نشانه

کانال

پیام می‌تواند به صورت نوشته روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان الکتریسیته در داخل سیم تلفن‌های قدیم و امروزه انواع امواج الکترومغناطیس در فضا یا کابل‌های نوری، راه خود را طی کند. در اینجا مجرایی که پیام از آن عبور می‌کند کانال^۱ نامیده می‌شود. (تصویر ۱۲) گاه مسیرهای حمل و نقل^۲ جایگزین کانال می‌شوند، مانند پست. همین مشابهت‌ها بود که برخی از منابع قدیمی، راه‌آهن را نیز در گروه وسایل ارتباطی جای می‌دادند، اما به تدریج این کار منسوخ شد. (Williams, ۱۹۶۸: ۱۷).



تصویر ۱۲- کانال

-
۱. channel
 ۲. transportation

وسیله دریافت نشانه و نشانه خوانی

اگر یک فردی ناشنوا در مقابل گیرنده رادیو نشسته باشد و نتواند صدای آن را بشنود، اگر تلفن همراه او از نسل اول تلفن‌های همراه باشد و نتواند ایمیل‌ها را دریافت کند، اگر دیش و ریسپور ماهواره نداشته باشد و نتواند برخی فرستنده‌های تلویزیونی را تماشا کند؛ همه به این دلیل است که فاقد وسیله دریافت نشانه^۱ مورد لزوم است. درحالی‌که ممکن است وسیله نشانه خوانی آن را داشته باشد. مثلاً اگرچه گوش او صدای رادیو را نمی‌شنود، ولی اگر از سمعک استفاده کند، صدا را خواهد شنید. زیرا مرکز شنوایی او در مغز سالم است. درواقع در اینجا نیز دو وسیله مجزا مشغول عمل است؛ وسیله دریافت نشانه وسیله نشانه خوانی^۲ که مجموع آن‌ها نیز بخشی از وسایل ارتباطی محسوب می‌شود. تصویر وسیله دریافت نشانه و نشانه خوانی گویی تصویر نشانه گذاری و ارسال نشانه بر روی آینه است.

هنگامی که پیام به حوزه «وسیله نشانه خوانی» می‌رسد، اگر دریافت شود نیز ممکن است نتوان نشانه خوانی کرد. آدمی که شنواست و زبان فرانسه نمی‌داند، نمی‌تواند با شنیدن واژه‌های آن زبان، پیام را نشانه خوانی کند.

عبور محتوای پیام از سطح توانایی ارتباط گیر

مرحله نشانه خوانی پیام هنگامی به انتها می‌رسد که از سطح توانایی ارتباطی ارتباط‌گر عبور کند. در این مرحله است که ارتباط گیر (گیرنده) از محتوای پیام دریافتی (C)^۳

۱. Sign Receiver

۲. Designer

۳. Content

اقدام به صیدی می‌کند که حاصل آن صید را می‌توان مفهوم (C')^۱ نامید که الزاماً همیشه مشابه محتوا نخواهد بود و در نتیجه نسبت C' بر C همیشه عدد ۱ نیست. آن چنانکه معادل صفر آن را می‌توان در تمثیل ۱۰۲ بیتی مولوی در باب «اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل» به‌خوبی دید. مولوی می‌گوید در شبی کاملاً تاریک، فیلی را برای نخستین بار به شهری آوردند. هر کس در آن تاریکی شب، کف دستش را برجایی از بدن فیل می‌کشید. آنکه خرطوم را لمس کرده بود، آن را ناودان دانست. لمس کننده گوش، آن را بادبزنی و لمس کننده پا، آن را ستون نامید. در اینجا مولوی نتیجه می‌گیرد که اگر به دست هر کدام شمعی می‌دادند این اختلاف برطرف می‌شد.

بکارگیری اصطلاح «صید مفهوم از محتوا»، استنباطی از ابیات بعدی مولوی است. او در حالی که اعتبار حس لامسه را زیر سؤال برده بود، بینایی را نیز در همان سطح تنزل داده و آن‌ها را مشابه یکدیگر نامیده و آنگاه از چشم خاصی سخن می‌گوید که مفسران آن را «چشم دریابین» نامیده‌اند (زمانی، ۱۳۸۲ ج ۳: ۳۱۵) و چون «صید» مهم‌ترین کنش آدمی در دریاست، این واژه برای دریافت مفهوم (C') از محتوا (C) به کار رفت. بنابراین این سؤال که C' تا چه حد مشابه C است مسئله دوم ارتباط است.

اگر محتوای تولیدی ارتباط‌گر را با حرف C نشان دهیم و آنچه ارتباط‌گیر از محتوا صید کرده را C' بدانیم، این که C' تا چه حد مشابه C است ($\frac{C'}{C} = ?$)، مسئله سوم ارتباط است. حل این مسئله می‌تواند با توانایی‌های ارتباطی مرتبط باشد. مثلاً در ارتباط کلامی، درست گوش دادن، بخشی از چنین توانایی است. آن چنانکه گفته شده گوش دادن فقط شنیدن یا دریافت کردن صداهای ورودی نیست، بلکه پدیده‌ای فعال برای معنا بخشی [مفهوم بخشی] به پیام شفاهی دیگری است (Emmert, ۱۹۹۶: ۲-۳). وقتی عده‌ای در حال شنیدن پیام مشابه‌ای باشند، ممکن است هر کدام از آن‌ها به ادراکی [صید مفهومی] متفاوت دست زنند. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که آن‌ها به صورت

متفاوتی گوش داده‌اند. (Floyd, ۲۰۰۹: ۲۵۹) تصور می‌شود که سطح توانایی ارتباطی به هنگامی که فرد، نقش ارتباط‌گر را ایفا می‌کند، با وقتی که او ارتباط‌گیر است، به یکدیگر وابسته باشد (Serenno, ۱۹۷۰: ۹۴).

پارازیت

می‌دانیم که اغلب عملکرد عناصر فرا گرد ارتباط در یک محیط به اصطلاح پاستوریزه انجام نمی‌شود. شنن ویوور برای اولین بار واژه پارازیت^۱ را با نقش یک پیکان بر روی کانال نشان دادند (Shannon, ۱۹۴۹). دوتو می‌گوید شاید قدیمی‌ترین نمونه پارازیت «تنگ‌نظری»هایی باشد که مانع از انتقال صحیح اطلاعات می‌شوند (Davito, ۱۹۷۸: ۱۲). پارازیت به‌مانند میکروبی است که می‌تواند بر تک‌تک عناصر فرا گرد ارتباط، اثر بگذارد و چنان بیماری‌زا باشد که آثاری چون کم‌توانی و حتی ناتوانی در دستیابی به هدف از ارتباط ایجاد کند و در مواردی حتی به مرگ ارتباط در یک مقطع زمانی منتهی شود. برخی از این میکروب‌ها مستقیماً روی یکی از اندام‌ها یا به عبارت صحیح‌تر روی یکی از عناصر فرا گرد ارتباط و برخی از آن‌ها روی چند عنصر اثر مخرب دارند. هنوز دانش مستقلی برای مطالعه انواع این میکروب‌ها و تأثیر بیماری‌زای آن‌ها و شاید راه‌های درمان آن به وجود نیامده است. در مدل منبع معنی، پارازیت با الهام از خزنده‌ای همچون مار ترسیم شده که باید همیشه حضورش را غیرممکن ندانیم، ضمن آنکه باد در تلاش جهت ممانعت از ورود سم پارازیت به ارتباط باشیم. (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳- پارازیت در ارتباط

زمینه ارتباط

آنچه تاکنون از عناصر فراگرد تراکنشی ارتباط و کنش متقابل آن‌ها تجسم شده مجموعه‌ای است که در «شرایط گوناگون» ممکن است پویای متفاوتی داشته باشد. این شرایط گوناگون، همان «زمینه ارتباط^۱» است. در ارتباط وقتی یک پیام درزمینه‌های متفاوتی به کار می‌رود، می‌تواند معنی‌های [مفهوم‌های] متفاوتی داشته باشد، برای مثال، اگر در یک اردوگاه نظامی یک نفر فریاد بزند «آتش» معنای [مفهوم] کاملاً متفاوتی خواهد داشت با وقتی که یک نفر همان کلمه را در یک سینمای پر از جمعیت فریاد بزند» (Duck, ۲۰۱۰: ۱۶).

«زمینه‌های ارتباط»، بیش از یک نوع است و در دسته‌بندی آن می‌توان نقطه‌نظرهای متفاوتی را دید. برخی آن را به فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی و زمان‌شناختی تقسیم کرده‌اند (Davito, ۱۹۷۸: ۱۰). عده‌ای آن را به سه دسته زمینه فیزیکی، زمینه موقعیتی و زمینه رابطه‌ای تقسیم کرده‌اند (Duck, ۲۰۱۰: ۱۶-۱۷). برخی به‌جای «زمینه» از واژه محیط استفاده کرده و آن را به دودسته محیط فیزیکی و تجربیات شخصی و پیش‌زمینه‌های فرهنگی تقسیم نموده‌اند (Adler, ۲۰۰۹: ۱۰).

در مدل منبع معنی با تکیه بر دسته‌بندی دیرینه و کلاسیک فرهنگ، یعنی دودسته فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی، زمینه ارتباط در گام نخست به دودسته «زمینه مادی»^۲ و «زمینه غیرمادی»^۳ تقسیم شده است.

۱- زمینه مادی

۱. communication context

۲. material context

۳. non-material context

زمینه مادی همان زمینه فیزیکی و مربوط به مکانی است که ارتباط در آن برقرار می‌شود (Floyd, ۲۰۰۹: ۱۲) نظیر آسانسور، یک تالار، داخل یک پارک و... که هر یک از این مکان‌ها به صورت کم‌ویش بر محتوا و فرم پیام [مفهوم صیدشده] اثر می‌گذارند. (Davito, ۱۹۷۸: ۱۰) درک زمینه مادی، سریع‌تر و ملموس‌تر از زمینه غیرمادی است، به همین دلیل در مدل، به صورت اولین لایه سپهر حاکم بر ارتباط نمایش داده شده است.

۲- زمینه غیرمادی

ارتباطاتی که در [سالن پذیرایی یک‌منزل که در آن] مراسم عروسی برگزار می‌شود، امکان بروز می‌یابد، هرگز در یک مراسم تشییع جنازه [در همان سالن]، امکان بروز ندارند. (Davito, ۱۹۷۸: ۱۰).

در مدل منبع معنی، زمینه‌های مادی و غیرمادی، به صورت دو سطح، همچون پایه و تکیه‌گاه مدل تجسم شده‌اند. سطح زیرین نماینده زمینه مادی و سطح روی آن نماینده زمینه غیرمادی است:



تصویر ۱۴- تجسمی از زمینه مادی و غیرمادی ارتباط

به نظر می‌رسد که زمینه ارتباط می‌تواند گاه به‌گونه‌ای بسیار پررنگ، خود حامل هر یک از آن سه نشانه قراردادی و غیر قراردادی باشد، به‌عنوان مثال، ممکن است در

اتاق محل کار یک استاد دانشگاه قاب‌های حاوی لوح‌های تقدیر او (نشانه قراردادی گفتنی / نوشتنی) و عکس‌هایی از یادبودهای افتخارآمیز او (نشانه‌های غیر قراردادی نشان دادنی) باشد. حالا وقتی همکار یا دانشجویی وارد اتاقش می‌شود، و با او به گفتگو می‌نشیند، در فضایی قرار می‌گیرد که آن نشانه‌ها نیز بخشی از آن هستند. ممکن است آن دانشجو از نشانه‌های موجود در زمینه نیز مفهوم صید کند، ضمن آنکه ممکن است گفتگوی کوتاهی انجام پذیرد، بدون آنکه آن مجموعه نشانه‌های موجود در آن زمینه، حتی دیده شود.



تصویر ۱۵- زمینه ارتباط می‌تواند حامل هر سه نوع نشانه باشد

۳- زمینه سوم

در آثار اندیشمندان قرون گذشته برخی جوامع مشرق زمین گاه گیاهان، جانوران و جامدات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برخی اوقات نیز نگاهشان رو به عالم غیب و خداوند می‌رود و فرستنده پیام برای خداوند و عالم غیب و به‌ندرت دریافت‌کننده پیام از عالم غیب می‌شوند. چنین زمینه‌ای را که «زمینه سوم» می‌نامیم می‌توان از جمله در آثار مولوی دید که زمینه اول و دوم را این سو و زمینه سوم موردنظر من را «آن سو» می‌داند و می‌گوید: «مُرده زین سواندو، زآن سو زنده‌اند / خامش اینجا، و آن طرف گوینده‌اند».

از آنجا که هیچ اطلاع عینی از زمینه سوم نداریم، در مدل منبع معنی، نقشی برای آن ترسیم نشده است.

تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده

مفهوم صید شده ارتباط‌گیر منتهی به تجلی معنی خواهد شد که آن را M یا معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر می‌نامیم. اینکه معنی متجلی شده M تا چه حد منبعث از مفهوم صید شده C' است، مسئله سوم ارتباط است.

تجلی M فرایندی را به دنبال خواهد داشت که «بازتاب مفهوم»^۱ می‌نامیم و حاصل پردازشی بسیار سریع در لابه‌لای معنی‌های موجود در منبع معنی و همچنین شبکه‌های پیچیده همبستگی میان آنهاست که قبلاً به آن اشاره شد. بازتاب مفهوم می‌تواند همان باشد که وکیت، هنگام صحبت درباره «زبان گفتگو در سطح درون فردی» به فرآیند ناشناخته‌ای اشاره می‌کند و آن را « نشانه گذاری اندیشه به زبان» یا «رمزگشایی زبان دریافتی به معنی» نامیده است (۶: ۲۰۰۹, Vocate) او درجایی دیگر، اصوات مربوط به ارتباطات درون فردی را برآمده از دیالکتیک یا سلوک عقلی بین مغز و فرهنگ می‌داند که ساخت و ترکیبی منحصربه‌فرد را برای ذهن تولید می‌کند. (۱۱: ۲۰۰۹, Vocate) وکیت از پدیده دیگری سخن می‌گوید به نام «ماوراء صدا در ذهن»^۲ و در توضیح آن می‌نویسد که از تلفیق نظرات کنش متقابل نمادین جرج هربرت مید^۳ و نظریه جامعه‌شناختی - فرهنگی^۴ آل اس ویگوتسکی^۵ و متعاقباً ای آر لوریا^۶ می‌توان این نظریه را مطرح کرد که اولاً گفتار و جامعه در شکل‌گیری ماوراء صدا در ذهن نقش دارند و ثانیاً ارتباط درون فردی ترکیبی است از گفتگو با خود^۷ و سخن درونی^۸ و تأکید کرد که گفتار درونی، تلاشی است که در پس همه ارتباطات انسانی قرار دارد. بنابراین فهم آن

-
۱. concept reflex
 ۲. metaphoric voice of mind
 ۳. George Herbert Mead
 ۴. sociocultural
 ۵. L. S. Vygotsky
 ۶. A. R. Luria
 ۷. Self talk
 ۸. inner speech

برای توسعه دانش ما در حوزه‌هایی مانند اقناع، ارتباطات سازمانی و ارتباطات عمومی حیاتی است. (Vocate, ۲۰۰۹: ۶)

تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم تا بازخورد

در ادامه آن پویا پیچیده، بازتاب مفهوم وارد مرحله «تفسیر و ارزیابی» می‌شود. شکل‌گیری یک رنجش درونی در اثر شنیدن یک سخن نابجا، و ارزیابی و تصمیم‌گیری ارادی یا انعکاسی درباره پنهان کردن یا آشکار کردن آن رنجش نمونه‌ای از تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم است. خروجی این تفسیر و ارزیابی را «پس فرست» می‌نامیم. پس فرست از دید فرستنده، نقش «بازتاب محتوای پیام» را دارد درحالی‌که واقعیت آن است که آنچه به سوی فرستنده پیام جاری است، «بازتاب مفهوم تفسیر و ارزیابی شده است» (تصویر شماره ۱۶) و تقریباً بخشی از همان است که شرام آن را «فرا گرد بازگشت»^۱ نامیده و معتقد است که نقش بسیار مهمی در ارتباطات بازی می‌کند زیرا به ما می‌گوید که پیام‌های ما چگونه تفسیر می‌شوند» (Schramm, ۱۹۵۴: ۱۸). این جمله را آندروش به گونه‌ای دیگر بیان کرده است و می‌گوید: «فرستنده پیام از طریق بازخورد^۲، می‌تواند نتیجه را با نیت اصلی و اولیه خود مقایسه کند» (Andersch, ۱۹۶۹: ۵).

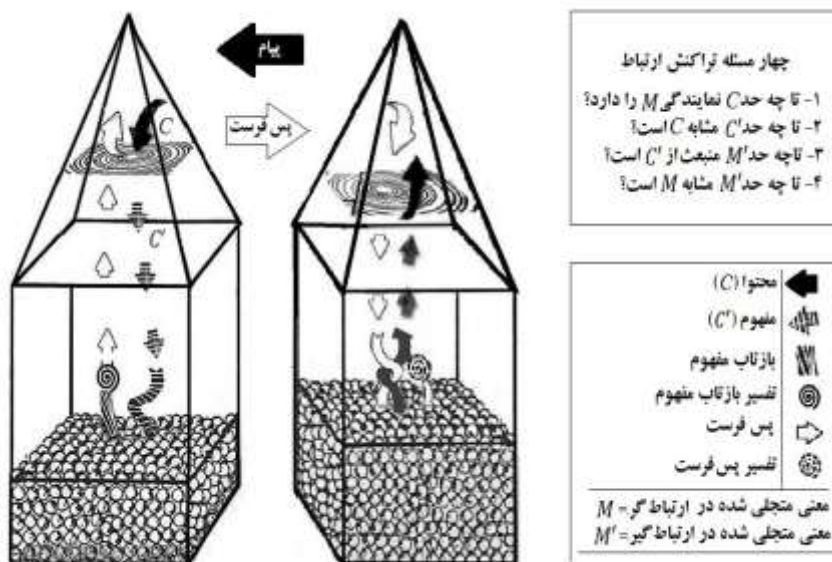
اما به نظر می‌رسد واژه بازخورد که مربوط به کنش ارتباط گیر و پس از دریافت و تفسیر و ارزیابی پس فرست انجام می‌شود، در این مرحله بازخورد نامید. زیرا چه بسا ممکن است ارتباط گیر تلاش کند که جلوی تبدیل بازتاب مفهوم به پس فرست را بگیرد و به اصطلاح اصلاً به روی خود نیاورد و یا حتی کوشش کند که کار به تفسیر و ارزیابی «بازتاب مفهوم» نکشد و به عبارتی موضوع را به هر دلیل - از جمله رنج کشیدن

۱. return process

۲. feedback

در اثر فکر کردن راجع به آن - از ذهن خود پاک کند. در واقع اگر «بازتاب مفهوم» و تفسیر و ارزیابی پس از آن، پدیده‌ای درون ذهنی است، نتیجه آن هم می‌تواند درون ذهنی باقی بماند و هم تبدیل به پدیده‌ای بیرونی شده و مثلاً به صورت اخم - ارادی و یا غیرارادی - شکل بگیرد. بنابراین با توجه به آنکه «بازتاب مفهوم» حاصل تجلی معنی در اثر مفهوم صیدشده از محتوای پیام و «پس فرست» محصول تفسیر و ارزیابی «بازتاب مفهوم» است. این دو گاه می‌توانند شبیه و گاه متفاوت باشند. مثلاً «ریا» از نمونه‌های تفاوت ارادی میان پس فرست و بازتاب مفهوم است. نمونه دیگر آن ترس است که نماد آن را در ضرب‌المثل ایرانی زبان سرخ سر سبز دهد بر باد می‌توان یافت. شاید به همین دلیل است که بازجوها برای جلوگیری از چنین کنشی، به هنگام بازجویی از یک متهم، نورافکنی قوی بر چهره او می‌تابند تا مطمئن شوند پس فرستی که دریافت می‌کنند همان «بازتاب مفهوم» اوست بنابراین پس فرست می‌تواند مشابه یا متفاوت با بازتاب مفهوم باشد. می‌تواند فرستاده شود یا نشود. اگر فرستاده شد، می‌تواند دریافت شود و یا دریافت نشود. این عدم دریافت پس فرست - به‌ویژه در ارتباطات روزمره - امری عادی است.

بازخورد کنش پیچیده‌ای است که اگرچه متعلق به ارتباط‌گر (فرستنده پیام) است، اما وقوع آن به شدت وابسته به کنش‌های پیچیده‌تر ارتباط‌گیر (گیرنده) می‌باشد.



تصویر ۱۶- شکل‌گیری بازتاب مفهوم پس فرست تا بازخورد

«بازتاب مفهوم» اگر به مرحله تفسیر و ارزیابی تولیدکننده آن (گیرنده پیام) راه یابد و بر اساس آن پس فرست شکل بگیرد و به فرستنده پیام نیز برسد، ممکن است منتهی به یکی از سه پیامد زیر شود:

الف- پس فرست دریافت، تفسیر و ارزیابی شود و بر ادامه ارتباط اثر گذارد؛
ب- پس فرست دریافت و تفسیر و ارزیابی شود اما در ادامه ارتباط ایفای نقش نکند؛

ج- فقط پس فرست دریافت ولی نادیده گرفته شود.
فقط پیامد الف است که عناصر تشکیل‌دهنده بازخورد را کامل می‌کند. بنابراین فرمول بازخورد عبارت خواهد بود از:

شکل‌گیری بازتاب مفهوم + تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم + شکل‌گیری پس فرست + ارسال پس فرست (عامداً یا غیر عمد) برای فرستنده + دریافت پس فرست از

سوی فرستنده + تفسیر و ارزیابی پس فرست + لحاظ کردن حاصل تفسیر و ارزیابی پس فرست در ادامه ارسال پیام.

این فرمول به ظاهر پیچیده را می‌توان در نوشته دوتو، مؤلف اولین کتاب ارتباط شناسی هنگامی که از «خود- بازخورد» سخن می‌گوید بهتر درک کرد. وی می‌نویسد «ما به هنگام فرستادن پیام کلامی برای دیگران، شنونده خودمان نیز هستیم. همان‌طور که وقتی آنچه را می‌نویسیم خودمان نیز همزمان که می‌نویسیم، می‌بینیم و درواقع «خود- بازخورد» به وقوع می‌پیوندد و به کمک آن می‌توانیم خود را اصلاح کنیم، عبارتی را دوباره بسازیم و حتی ممکن است بر تغییر زیرکانه خود بر روی عبارت قبلی لبخند بزنیم» (Davito, ۱۹۷۸: ۱۴).

ارتباط یک پدیده چهار مسئله‌ای است

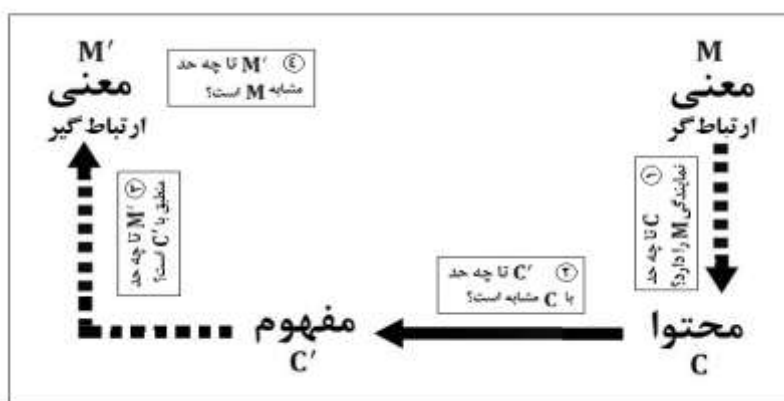
بر اساس آنچه تاکنون گفته شد، از جمله تبدیل پس فرست به بازخورد، ارتباط کامل و موفق است که دستیابی به آن منوط به حل چهار مسئله منعکس زیر است (تصویر ۱۷)

مسئله اول ارتباط: اگر معنی در ارتباط‌گر را با M و محتوا یا حاصل نشانه‌گزینی و نشانه‌گزاری او را با حرف C نشان دهیم، اینکه C تا چه حد نمایندگی M را دارد، مسئله اول ارتباط است.

مسئله دوم ارتباط: اگر محتوا یا تولیدی ارتباط‌گر را با حرف C نشان دهیم و آنچه ارتباط‌گیر از محتوا صید کرده را C' بدانیم، اینکه C' تا چه حد مشابه C است $(\frac{C'}{C} = ?)$ ، مسئله دوم ارتباط است.

- مسئله سوم: اگر آنچه ارتباط گیر از محتوا صید کرده را C' و معنی را که در ارتباط گیر متجلی شده M' بدانیم، اینکه M' تا چه حد منبعث از C' است، مسئله سوم ارتباط است.

- مسئله چهارم ارتباط: اگر معنی متجلی شده در ارتباط گیر را M' و معنی مورد نظر ارتباط گر را M بدانیم، اینکه M' تا چه حد مشابه M است ($\frac{M'}{M} = ?$) مسئله چهارم ارتباط است.



تصویر ۱۷- ارتباط موفق وابسته به حل چهار مسئله است

حل درست یا نادرست چهار مسئله فوق منتهی به یکی از چهار حالت زیر خواهد شد:

حالت اول $\frac{M'}{M} = 1$ و $\frac{C'}{C} = 1$

حالت دوم $\frac{M'}{M} < 1$ و $\frac{C'}{C} = 1$

حالت سوم $\frac{M'}{M} = 1$ و $\frac{C'}{C} < 1$

حالت چهارم $\frac{M'}{M} < 1$ و $\frac{C'}{C} < 1$

حالت اول هنگامی است که هر چهار مسئله ارتباط درست حل شود. در نتیجه مفهوم صید شده مشابه محتوا و سرانجام معنی متجلی شده در گیرنده مشابه فرستنده شود. حالت دوم وقتی است که اگر چه مفهوم صید شده مشابه همان محتوای ارسال شده است. اما چون فرستنده به خطا محتوایی را تولید کرده که نمایندگی معنی مورد نظر او را نداشته است این اشتباه به صید گیرنده نیز منتقل و بر عدم تشابه معنی متجلی شده بامعنی مورد نظر گیرنده اثر گذاشته است.

حالت سوم مشابه حالت دوم است با این تفاوت که اصل «شنونده باید عاقل باشد» روی داده و گیرنده متوجه خطای فرستنده شده و مفهومی که صید کرده مشابه محتوای معیوب فرستنده نبوده و این خطا در مشابهت معنی متجلی شده در گیرنده مشابه بامعنی مورد نظر فرستنده اختلال ایجاد نکرده است.

حالت چهارم نیز هنگامی روی می دهد که هر چهار مسئله نادرست حل شود. وقوع هر یک از چهار حالت مورد بحث که احتمال وقوع آنها با نسبت های مختلف در همه گونه های مختلف ارتباطات اعم از میان فردی، گروهی، عمومی و رسانه ای امکان پذیر است، نشان می دهد که هدف از حل مسائل چهارگانه دستیابی به

$$\frac{M'}{M} = 1 \text{ باشد. زیرا } \frac{G'}{G} = 1 \text{ هدف نیست، بلکه وسیله است.}$$

مدل فراگردی، تراکنشی و جریانی ارتباط

ارتباط همچون H_2O می تواند به سه شکل «مایع»، «بخار» و «یخ» درمی آید آن گونه که هریک از شکل های یاد شده ویژگی های خاص خود را بگیرند. اگرچه ماهیت همه آنها H_2O است. این شکل های سه گانه در ارتباط را استیو داک این گونه مطرح می کند: ۱-

ارتباطات به‌مثابه کنش^۱، ۲- ارتباطات به‌منزله کنش متقابل^۲ و ۳- ارتباطات به‌مثابه تراکنش^۳ (Duk, ۲۰۱۰: ۱۰). در واقع ارتباط ممکن است گاه از جنس کنش باشد که حاصل آن جریان است، مانند آبی که از سوی باغبان بر روی گل‌ها پاشیده می‌شود. گاه ممکن است به‌صورت فراگرد باشد مشابه توپی که میان دو تنیس‌باز دست‌به‌دست می‌شود و گاه تراکنشی باشد که به‌مراتب پیچیده‌تر از حالت فراگردی است.

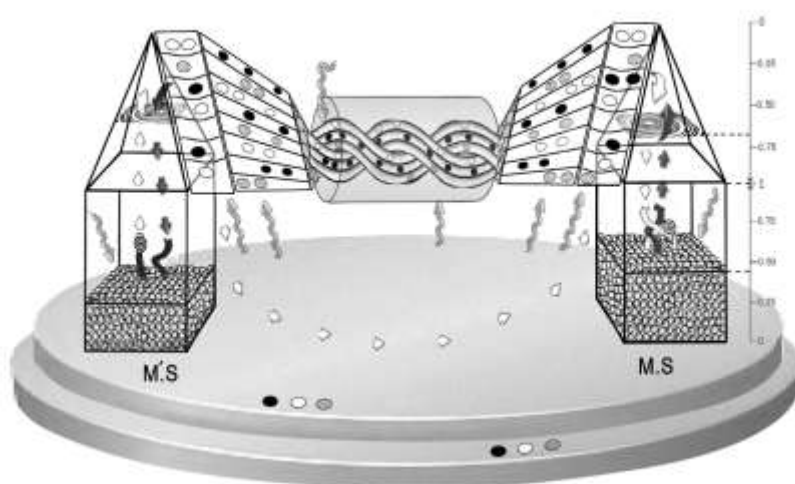
در تصویر ۱۸ کوشش شده که آنچه تاکنون گفته شد در یک مدل نهایی ارتباط - با جنس فراگردی - به‌صورتی نمایش داده شود که تمامی عناصر ارتباط و روابط پیچیده ناشی از خصلت فراگردی آن نمایش داده شود.^۴ اما فراموش نکنیم که حتی اگر این مدل یک عکس واقعی از ارتباطی با جنس فراگردی بود باز هم چون یکی از مهم‌ترین خصلت‌های هر فراگرد - یعنی پویایی - را از آن گرفته بودیم، نمی‌توانست کامل باشد.

۱. action

۲. interaction

۳. transaction

۴ - با تشکر از خانم مریم علی‌اکبری که تصاویر ویرایش جدید مدل را مسئولانه اجرا کرد.

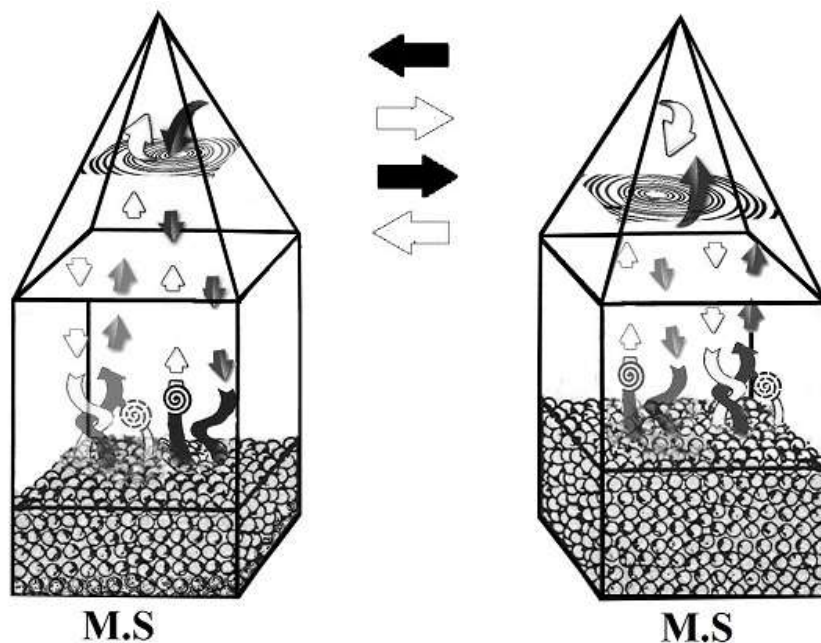


تصویر ۱۸- مدل ارتباط فراگردی منبع معنی

ترسیم مدل نهایی ارتباط از جنس تراکنشی پیچیدگی بیشتری دارد. وقتی از ارتباطات تراکنشی صحبت می‌شود، مقصود آن است که حتی در بهترین حالت، تفکیک بین فرستنده و گیرنده یا ارتباط‌گر و ارتباط گیر، امکان‌پذیر نیست و نامیدن آن‌ها به صورت فرستنده و گیرنده، فقط یک برچسب قراردادی است (Burgoon, ۱۹۹۴: ۱۲-۱۳). در چنین ارتباطی یک فعالیت اشتراکی حاکم است و موفقیت هر یک از دو طرف، وابسته به طرف دیگر هم هست (Adler, ۲۰۰۹: ۱۱). ارتباط فراگردی مشابه بازی تنیس توصیف شد که بازی بعدی هر بازیگر تابع بازی قبلی بازیگر مقابل است. اما وقتی ارتباط تراکنشی می‌شود گویی به صورت خیال‌پردازانه، در آن بازی تنیس، توپ از جنس خاصی است که بقای آن - نه کجا رفتن آن - تابع آن است که هر دو بازیگر خوب بازی کنند نه فقط بازیگر برنده. در واقع در ارتباط تراکنشی ارتباط‌گر و ارتباط گیر قبل از

هر چیز باید مراقب بقای توپ باشند، نه این که کجا می افتند. این مستلزم آن است که هر دو بازیگر در هر لحظه همه عناصر تشکیل دهنده بازی را دیده بانی و تحلیل کنند. به همین دلیل است که به نظر می رسد هر چقدر ارتباط گرایش بیشتری به تبدیل شدن به تراکنش داشته باشد، احتمال حل مسائلی که قبلاً به آن اشاره شد، به ویژه مسئله نهایی یا مسئله چهارم (رسیدن به مشابهت معنی میان طرفین ارتباط یا نزدیک شدن به $\frac{M'}{M} = 1$) بیشتر خواهد شد.

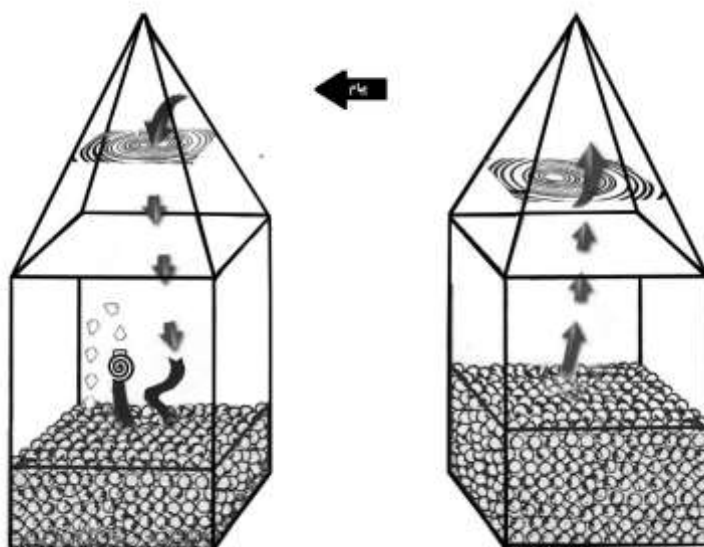
گفته شده در ارتباط تراکنشی هیچ تفاوتی میان نقش های فرستنده و گیرنده وجود ندارد. یک سری پیام است که می رود و باز می گردد و گویی ارتباط در یک زمان، در هر دو جهت جریان دارد و در واقع به طور همزمان هر دو شرکت کننده مکالمه، هم فرستنده و هم گیرنده هستند (Floyd, ۲۰۰۹: ۱۳) ترسیم چنین خصلتی در یک تصویر غیر متحرک ممکن نیست بلکه صرفاً می توان از یکسو هر دو منبع معنی را به جای M.S و $M'.S$ که در مدل ارتباط از جنس فراگرد عمل می شود، به طور مشابه، M.S نامید و از سوی دیگر، بده و بستان (تراکنش) مستمر میان آنان را به گونه ای نمادین مشابه تصویر ۱۹ نمایش داد.



تصویر ۱۹- بخشی از عناصر مدل منبع معنی برای ارتباط از جنس تراکنش

در ترسیم «مدل ارتباط جریانی» - به خلاف ارتباط تراکنشی - نه تنها باید میان مکعب فرستنده و گیرنده به خوبی تمایز قائل شد و همچون مدل فراگردی، مکعب‌ها را M.S و $M'.S$ نامید. بلکه باید مراحل ارسال پس فرست از سوی گیرنده برای فرستنده و در نتیجه مراحل بعدی لازم برای شکل‌گیری بازخورد در فرستنده را حذف نمود. در واقع شرط آنکه ارتباط از جنس جریانی باشد، عدم دریافت پس فرست از سوی فرستنده پیام و یا عدم ارسال پس فرست از سوی گیرنده پیام است. نه عدم شکل‌گیری پس فرست. زیرا آن‌گونه که در تصویر ۲۰ نشان داده شده، می‌توان تصور کرد که ممکن است در منبع معنی گیرنده پیام، پس فرست تولید شود اما تغییر مسیر داده و به‌جای حرکت به سوی فرستنده، به درون ذهن خود گیرنده سوق داده شود و چه‌بسا این عمل سبب برخی تغییرات در معنی‌های درون ذهن او شود. (مانند هنگامی که مخاطب برخلاف

انتظار خود، مطالبی از فرستنده دریافت کند که برای همیشه، نظر مثبت او را به آن فرد تبدیل منفی کند.)



تصویر ۲۰- بخشی از عناصر مدل منبع معنی برای ارتباط از جنس جریان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شد پدیده ارتباط به‌گونه‌ای نظم مند، مورد مطالعه قرار گیرد. اولین عنصر مورد توجه «معنی» بود که گویی با بزرگ‌ترین درشت‌نمایی یک میکروسکوپ فرضی مطالعه و به نقل از سنایی، مولوی، برلو، برگون، آدلر، فلوید و فروملینگ گفته شد که در پیام نیست. سپس با ارائه شواهدی از دستاوردهای بیولوژیست‌ها و عصب‌شناسان این نتیجه مطرح شد که معنی در مغز و به‌صورت مولکول‌های پروتئین بزرگ از جمله پروتئینی به نام آرک در ناحیه مربوط به «حافظه درازمدت ماندنی» است. تعداد معنی‌ها در افراد برحسب سن، تحصیلات، تجربه و فرهنگ یکسان نیست. به‌گونه‌ای که می‌توان اصطلاح درجه معنی را برای مقایسه‌های نسبی تعدد معنی افراد استفاده کرد. اما صرفاً

تفاوت تعداد معنی‌ها نیست که ارتباط را می‌تواند دشوار کند، بلکه مهم‌تر از آن تفاوت معنی میان افراد و تفاوت در ربط و همبستگی‌های میان معنی‌هاست که دو انسان با دو منبع معنی متفاوت را درگیر پیچیدگی‌های ارتباط می‌کند. از آنجاکه ارتباط مشابه حالات سه‌گانه آب، می‌تواند با ماهیت مشابه، اما در سه حالت جریان، فرا گرد و تراکنش روی دهد این درگیری در هریک از آن سه حالت متفاوت و در تراکنش بیشتر و در جریان کمتر است. ارتباط در حالت فرا گرد و بیش از آن در حالت تراکنش، اگرچه آغاز و پایان ندارد، اما تجلی آغازین معنی در ارتباط‌گر هم می‌تواند ناشی از تفوق عینیت بر ذهنیت و هم ذهنیت بر عینیت باشد.

در ادامه، ضمن معرفی هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده ارتباط و کارکرد آن، مدلی فرعی برای آن عنصر ارائه شد تا بتوان در آخرین بخش مقاله، با قرار دادن تک‌تک عناصر در جای خود، به ساخت مدل اصلی و نهایی که باید بیانگر روابط گاه تعاملی و پیچیده مجموعه عناصر می‌بود، دست‌یافت.

در همین مسیر این بحث مطرح شد که ارتباط پدیده‌ای چهار مسئله‌ای است؛ اولین مسئله در حوزه «سطح توانایی ارتباطی» و در منطقه «وسیله نشانه‌گذاری» شکل می‌گیرد و آن هنگامی است که از آمیختگی هر یک از سه نوع نشانه‌های «قراردادی گفتنی / نوشتنی»، نشانه‌های «قراردادی نشان‌دانی» و نشانه‌های «غیر قراردادی نشان‌دانی» با نحوه ارائه «محتوایی» (C) تولید می‌شود که معنی (M) موردنظر ارتباط‌گر را نمایندگی می‌کند، این‌که محتوا یا C تا چه حد معنی یا M متجلی شده در ارتباط‌گر را نمایندگی می‌کند، نخستین مسئله ارتباط است.

مسئله دوم هنگامی شکل می‌گیرد که پیام به کمک وسیله ارسال نشانه با عبور از کانال، به ارتباط‌گیر می‌رسد و او از طریق «وسیله دریافت نشانه» و پس از آن به کمک وسیله «نشانه خوانی» با عبور از سطح توانایی، به فرآیند صید مفهوم (C') از محتوا (C) منتهی می‌شود. بنابراین دومین مسئله هر ارتباطی آن است که تا چه حد C' مشابه C است. به عبارت دیگر $\frac{C'}{C}$ تا چه حد به ۱ نزدیک است. مفهوم صید شده ارتباط‌گیر پس

از عبور از سطح توانایی او منتهی به تجلی معنی در منبع معنی او می‌شود که آن را با \dot{M} نشان می‌دهیم. این که \dot{M} تا چه حد منبعث از C' است مسئله سوم ارتباط است. تجلی \dot{M} فرایند «بازتاب مفهوم» را به دنبال خواهد داشت که حاصل پردازشی بسیار سریع در لابه‌لای معنی‌های موجود در منبع معنی و همچنین شبکه‌های پیچیده همبستگی میان آنهاست. تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم، عامل تولید «پس فرست» است که دریافت آن از سوی ارتباط‌گر، هنگامی به بازخورد منتهی می‌شود که بر ارسال پیام بعدی ارتباط‌گر تأثیر بگذارد.

در هر حال هنگامی این پویاها و تعامل‌های پیچیده نتیجه‌بخش خواهد بود که سبب شود در ادامه ارتباط، مفاهیم صید شده از محتوا مشابه با محتوا باشد ($\frac{C'}{C} = 1$) و در انتها به مشابهت معنی متجلی شده بامعنی موردنظر فرستنده منجر و نسبت $\frac{M'}{M} = 1$ شکل بگیرد

مجموعه آنچه گفته شد در بازنگری تعریف ارتباط (محسنیان راد، ۱۳۶۹ و محسنیان راد، ۱۳۹۱) می‌تواند این‌گونه لحاظ شود: ارتباط عبارت است از «جریان»، «فراگرد» و یا «تراکنش» جابجایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی» (ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر)، مشروط بر آنکه ۱- محتوای پیام تولیدی ارتباط‌گر نمایندگی معنی موردنظر او را داشته باشد، ۲- مفهوم صید شده ارتباط‌گیر با محتوای پیام ارتباط‌گر مشابه باشد، ۳- معنی متجلی شده در او منبعث از مفهوم صیدشده باشد و ۴- معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی موردنظر ارتباط‌گر باشد.

منابع

- زمانی، کریم. (۱۳۸۲)، شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

- سنایی: فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، رامسر: نشر

آزاد مهر.

- سولسو، رابرت آل. (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی شناخت*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات رشد.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳)، *معنی‌شناسی کاربردی*، تهران: انتشارات همشهری.
- گرگین، ایرج. (۱۳۹۱)، *امید و آزادی، لوس آنجلس*: شرکت کتاب.
- لوراین، هری. (۱۳۷۵)، *یادگیری = حافظه + ارتباط*، ترجمه دکتر احمد میر عابدینی، تهران: چکامه.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۹۱)، *ارتباطات انسانی*، تهران: انتشارات سمت.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۶۹)، *ارتباط‌شناسی (میان فردی، گروهی، جمعی)*، تهران: انتشارات سروش.
- مولوی. (۱۳۸۲)، *مولانا جلال‌الدین محمد بلخی: کلیات شمس تبریزی*، تهران: نشر سنایی؛ نشر ثالث.
- Adair, John. (۲۰۰۹). *Effective Communication*, Revised Edition. USA: Pan Macmillan.
- Adler, Ronald B. and George Rodman. (۲۰۰۹). *Understanding Human Communication*. London: Oxford University
- Andersch, E. G. Staats, L.C., Bostrom, R.N. (۱۹۶۹). *Communication in Everyday Use*. San Francisco: Rinehart. Press.
- Beck, Andrew & Peter Bennett (۲۰۰۲). *Communication Studies: The Essential Introduction*. London: Routledge.
- Becker, S. L. (۱۹۶۸). "Research on Emotional and Logical Proofs". *Southern States Speech Journal*; No. ۲۸

- Berlo, David, (۱۹۶۰). *The Process of Communication*. Michigan State University. New York: Rinehart and Winston.
- Burgoon, J. K., Buller, D. B., Ebesu, A. & Rockwell, P. (۱۹۹۴). *Interpersonal deception: V. Accuracy in deception detection*. Communication Monographs, ۶۱.
- Chadarevian, Soraya de & Nick Hopwood (۲۰۰۴). *Models: The Third Dimension of Science*. Writing Science. USA: Stanford University Press
- Davito, Joseph A. (۱۹۷۸). *Communicology: An Introduction to the Study of Communication*. New York: Harper & Row
- Donis, A. (۱۹۸۱). "Signs And Symbols" *Contact Human Communication and Its History*. London: Thames and Hudson.
- Donsback Wolfgang (Editor) (۲۰۰۸) *The International Encyclopedia of Communication*. Malden: Blackwell
- Donna R. (۲۰۰۹) *Interpersonal Communication: Different Voice*. Different Minds. New York. Psychology Press
- Duck, Steve & David T. McMahan. (۲۰۱۰). *Communication in Everyday life*. London: Sage
- Emmert, P. (۱۹۹۶). *President's perspective*. ILA Listening Post, NO ۵۶
- Finkbeiner, Steve. (۲۰۱۳). Scientists Map Process by Which Brain Cells Form Long-Term Memories. Discovery at Gladstone Institutes Reveals How an Important Protein Helps Translate Learning into

- Memory. From <http://www.ucsf.edu/news/۲۰۱۳/۰۶/۱۰۶۵۵۶/gladstone-scientists-map-process-which-brain-cells-form-long-term-memories>.
- Floyd, Kory. (۲۰۰۹). *Interpersonal Communication: The Whole Story*. USA: Arizona State University.
 - Froemling, Kristin K. & George L. Gri. (۲۰۱۱). *Communication the Handbook*. Boston: Allyn & Bacon. Pearson
 - Gerbner, G. (۱۹۶۴). *On Content Analysis and Critical Research in Mass Communication*. In Dexter, L.A. and White D.M. (eds.). *People Society and Mass Communication*. New York: The Free Press.
 - Kandel, E. (۲۰۰۲). *Genes local protein synthesis at synapses and long-term memory*. Retrieved July ۹, ۲۰۰۲, from <http://fens.۲۰۰۲.Brodeaux.inserim.fr/pages/posters/R۱۱۰۰۰/R۱۱۱۸۱.html>
 - McQuail, Denis. (۲۰۱۰). *McQuail's Mass Communication Theory*. London: Sage.
 - Mc Quail Denis & Sven Windahl. (۱۹۹۳). *Communication Models for Study of Mass Communication*. Second edition. New York: Longman
 - Mildner, Vesna. (۲۰۱۰). *The Cognitive Neuroscience of Human Communication*. New York and London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Mohsenian Rad. (۱۹۹۳). *Communicology: An Innovative Definition and Model for the Communication Process*. Communications. *The European Journal of Communication*. Vol. ۱۸. ۳/۱۹۹۳.

- Mongeau, Paul A., Stiff, James B. (۲۰۰۲). *Persuasive Communication*, second edition. New York: Guilford Press.
- Neumann, Noelle. (۱۹۷۴). "The Spiral of Science. A Theory of Public Opinion". *Journal of Communication*, Volume ۲۴.
- Rhys, Robert. (۱۹۴۶). *Rehctorica. In the Worlds of Aristotle*, (W.D. Ross). Oxford University Press. Volume ۱۱
- Saussure, F.. (۱۹۱۶). *Course de Linguistique*. Paris: General.
- Shannon, Claude E. and Weaver, Warren. (۱۹۴۹). *The Mathematical Theory of Communication*. University of Illinois Press.
- Schramm, W. L.. (۱۹۵۴). *How Communication Works. in the Process and Effects of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Scoville, W.B. & Miller, B. (۲۰۰۲). *Loss of recent memory after bilateral hippocampal lesions*. In M. S. Gazzaniga(Ed.) *Cognitive Neuroscience*. Oxford: Blackwell
- Sereno, Kenneth K. and Mortensen C. David. (۱۹۷۰). *Foundations of Communication Theory*. New York: Harper and Row.
- Swcatt, David J. (۲۰۱۰). *Mechanisms of Memory*. Second Edition. UK: Elsevier Inc.
- Trenholm, Sarah. (۲۰۱۰). *Thinking Through Communication*. (۶th Edition) USA: Pearson

۴۷ بازسازی مدل ارتباطی ...

- Vocate, Donna R. (۲۰۰۹). *Intrapersonal Communication: Different Voices, Different minds*. New York: Psychology Press.
- Williams, Raymond. (۱۹۶۸). *Communication*, London: Penguin Book